

شکار معنا در نگاه مولانا

دکتر فریده داودی مقدم*

چکیده:

شکار از موتیف های آشنا و رایج ادبیات صوفیانه است و حوزه های گسترده ی معرفت شناسی و آموزه های عرفانی را در بر می گیرد. یکی از متونی که به فراوانی از تمثیل و رمز شکار و صید بهره برده است ، مثنوی مولوی است که با برخی از مفاهیم سمبلیک و رمزی شکار در فرهنگ و ادبیات جهانی اشتراک دارد. مولانا با بیان قصه های صید و صیادان با پیرنگ و طرح اصلی شکار در دفترهای ششگانه ی مثنوی زیباترین و ژرف ترین آموزه ها و تعالیم عارفانه را مطرح می کند. و از دو شکار عوام و خواص یاد می کند. گاه شکار را جستجو کردن ذات اعظم می شمارد و صید را قربانی کردن جهل و پلیدی و ناپاکی می داند و گاه به مخاطبان متذکر می شود که در عالم صیادی ، چه بسا که صید حقیقی خود باشی و با فرو رفتن در دام غفلت و ناآگاهی از فیض حقیقی بی بهره بمانی. در برخی موارد شکار در اندیشه ی مولانا شکار لحظه های ناب عارفانه و عاشقانه است و در جایی هم سکوت سالکانه را شگردی در شکار حقیقت انفسی می داند. این نوشتار به برخی از مفاهیم سمبلیک و رمزی شکار می پردازد و می کوشد تا اندیشه های ناب مولانا را در پرتو این تمثیل تحلیل کند.

واژه های کلیدی: شکار، صید و صیاد ، مثنوی مولوی ، سمبل .

مقدمه:

در معنانشناسی عرفانی ، شکار یکی از موتیف های آشنا و رایج است که در قالب سمبل ها و رمز ها و تمثیل های گوناگونی در متون مختلف صوفیانه به آن اشاره شده است و حوزه های گسترده ی خدانشناسی ، خود شناسی ، عشق حقیقی ، همدلی و همسوئی با عناصر و پدیده های هستی ، فهم طبیعت و راز و رمز های نهفته در آن و ادراک جهان غیب و حاصل انکشاف سمبل و تمثیل های شکار است .
تمثیل شکار در مثنوی ابعاد گوناگونی دارد که از سوئی با تلقی های سمبلیک مشهور از این کنش مطابقت دارد و ما در این نوشتار به بیان واکاوی آنها می پردازیم و از سوئی حاصل نگاه هستی شناسانه و معرفت جوی مولانا و خلاقیت های فراوان ذهن و ضمیر وی در این حوزه است.

* استادیار دانشگاه شاهد